



EPA

# در جست‌وجوی کورسوی امید

لبنان،  
بن‌بست سیاسی و  
انتخابات پیش‌رو

عبدالرحمن فتح‌الهی

از سوی دولت لبنان به نظر نمی‌رسد در کوتاه‌مدت به دنبال احیای روابط با بیروت، حداقل تا پس از برگزاری انتخابات پارلمانی پیش رو باشد. چرا که اولویت عربستان در این شرایط، صرفاً تلاش برای ایجاد لبنان مدنظرش در جریان انتخابات پارلمانی اردیبهشت سال آینده است.

از این منظر، ریاض ضمن تداوم قطع روابط و تشدید سردی مناسبات با بیروت سعی دارد از هر طریقی جریان هشتم مارس با محوریت حزب‌الله از صحنه سیاسی لبنان کنار گذاشته شود. لذا به قول «ابراهیم امین السید»، رئیس شورای سیاسی حزب‌الله، انتخابات پارلمانی پیش رو حکم جنگ سیاسی جولای (ژوئیه) را برای حزب‌الله دارد.

در سایه نکات فوق، حزب‌الله در شرایطی که لبنان عملاً وارد فضای رقابت‌های انتخاباتی شده، استراتژی خود را روی تمرکز بر نقاط ضعف و چالش‌های فعلی این کشور گذاشته است؛ در شرایطی که دولت «میکاتی» بین پذیرفتن شروط صندوق بین‌المللی پول و در عین حال سند پیش‌شرط‌های بازیگران حاشیه خلیج فارس و یا تمرکز بر ظرفیت‌های

«نجیب میکاتی» همچنان امیدوارند این کشورها و با محوریت عربستان موضع خود را مقابل لبنان تغییر داده و تعدیل کنند؛ در این راستا با وجود فشار «میکاتی» برای استعفای «جرج فرداچی» هنوز شاخص مثبت دیپلماتیکی از سوی کشورهای حاشیه خلیج فارس احساس نمی‌شود.

با این حال «میکاتی» در مدت تصدی نخست‌وزیری لبنان سعی در اتخاذ سیاست بی‌طرفی داشته تا بتواند لبنان را از امتیازات برخورداری روابط با همه طرف‌ها بهره‌مند کند. چرا که به باور «میکاتی»، لبنان نمی‌تواند در سنگر یک طرف بایستد. بیروت باید با همه طرف‌ها ارتباط داشته باشد. از این‌رو وی در دولت‌ش سیاست بی‌طرفی و دوری از هرگونه مناقشه عربی را در پیش گرفته است؛ سیاستی که «میشل عون»، رئیس‌جمهور لبنان نیز همسو با نخست‌وزیر به دنبال اجرایی کردن آن است.

در سایه آنچه عنوان شد، ریاض به عنوان موتور محرکه دیپلماتیک کشورهای عربی با وجود اتخاذ سیاست بیطرفی و دوری از هرگونه مناقشه عربی بخصوص جنگ پین

لذا نبود نخست‌وزیر و دولت، کابینه فشل و یا اداره کشور توسط سرپرست و مسائلی از این دست برای مردم لبنان دیگر به اموری روتین تبدیل شده است.

حال پس از کنار رفتن «حسان دیاب»، نخست‌وزیر سابق لبنان به دلیل تبعات سیاسی - اجتماعی انفجار بندر بیروت و کش‌وقوس‌های فراوان بر سر تعیین گزینه جدید و مانع‌تراشی‌های کسانی چون سعد حریری نهایتاً قرعه فال به نام «نجیب میکاتی» خورد تا در این شرایط پیچیده، بغرنج و بحرانی لبنان، وی وارث اداره موقت کشور تا برگزاری انتخابات جدید پارلمانی در ۱۵ مه ۲۰۲۲ (۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۱) شود؛ انتخاباتی که اگر در زمان خود برگزار شود و شاهد تأخیر در آن نباشیم تکلیف کرسی ریاست‌جمهوری لبنان را تا آبان‌ماه سال آینده مشخص می‌کند.

در این بین بحران «جرج فرداچی» در کنار چالش‌های اقتصادی و معیشتی لبنان و درگیری‌های سیاسی داخلی، وضعیت سختی را برای میکاتی رقم زده است. بعد از وقوع بحران دیپلماتیک میان لبنان و کشورهای عربی، برخی مسئولان لبنانی از جمله

با وجود آنکه لبنان پویاترین دموکراسی را در میان کشورهای خاورمیانه دارد، اما به دلیل ساختار سیاسی مختص خود، ذیل تعدد و تکرر بافت طایفه‌ای و مذهبی عملاً این دموکراسی پویا هیچ‌گاه به بلوغ نرسیده است؛ چرا که نظام طایفه‌گرا، قومیت‌محور و مذهبی در لبنان تاکنون از جوابگویی به نیازهای فزاینده، روبه رشد و در عین حال پیچیده اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی جامعه لبنان عاجز بوده است.

پیرو نکته یاد شده، ساختار سیاسی لبنان همواره پس از انتخابات یا به دنبال اجماع بر سر انتخاب نخست‌وزیر بوده و یا در صورت رسیدن به گزینه‌ای که بیشترین اشتراک نظر را در میان احزاب لبنانی داشته، این سهم‌خواهی در تشکیل کابینه بوده است که سبب شده، انسداد سیاسی به اتفاقی ثابت در ادوار مختلف دولت‌ها بدل شود.

۱۹ شهریور ۱۴۰۰

نجیب میکاتی به عنوان نخست‌وزیر جدید لبنان انتخاب شد و به این ترتیب بیروت بعد از کش‌وقوس‌های سیاسی فراوان، سرانجام صاحب دولت شد. دولتی که با چالش‌های بسیاری باید دست و پنجه نرم کند.